

دکتر باقر پور کاشانی



چگونگی تحقق معجزه دلخواه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چگونگی تحقق معجزه دلخواه

در سوره مبارکه انعام آیه ۱۰۹:

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾.

ترجمه آیه این است که:

«با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه دلخواه‌شان برای آنان آید، قطعاً به آن ایمان می‌آورند. بگو معجزه تنها در اختیار خداست و شما چه می‌دانید؟ حقیقت این است که اگر آن معجزه هم بیاید ایمان نمی‌آورید.»

این جا دو بحث است! این‌ها یک معجزات دلخواهی می‌خواستند، اتفاقاً هست، هم در زمان پیامبر بوده من نگاه کردم، هم در زمان ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده. مثلاً فرض کنید که جمعی بودند عزیزشان را از دست داده بودند، دوست داشتند او زنده شود، می‌آمدند پیش پیامبر می‌گفتند شما اگر راست

می‌گویی بابا و بابابزرگ و مادر و با مادربزرگ مان را زنده کن! یا آن عشقی که من داشتم مثلاً در دوران ایام جاهلی مرده، او را زنده کن! با خودش گفته حداقل این زنده می‌شود یک وصلی صورت می‌گیرد! اما ببینید انجام بعضی کارها سنت‌ها به هم می‌ریزد! بنا بر این نیست که حالا این آقا می‌خواهد ایمان بیاورد همه چیز به هم بریزد! نکته دوم این است که می‌خواهد بگوید که این‌ها بازی در می‌آورند! این‌ها اهل ایمان هم نیستند! از این آیه می‌شود استفاده کرد می‌دانست خداوند ایمان می‌آورد، چه بسا ارائه می‌داد، اما می‌گوید که: «و شما چه می‌دانید»، ﴿وَمَا يُشْعِرُكُمْ﴾، «حقیقت این است که اگر آن معجزه هم بیاید ایمان نمی‌آورند». ﴿أَنَّهُ إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾. یعنی خداوند نتیجه را می‌داند! تهش این است که چه کار بکند؟ پدرش زنده بشود با پدرش باشد! اما ایمان نمی‌آورد!

پس این دو مسأله هست؛ یکی اینکه بنا نیست هر معجزه‌ای اقامه کنند، یک‌سری مصلحت‌ها ممکن است به هم بریزد! نکته دوم، اگر بنا باشد معجزاتی هم که آن‌ها می‌خواهند ارائه بدهیم، باز هم خداوند خبر غیبی می‌گوید این‌ها ایمان نمی‌آورند! اما به این معنی نیست که خداوند معجزه

ارائه نمی‌دهد! خداوند برای اینکه اتمام حجت کند، آن معجزه‌ای که به  
مصلحت باشد به دست پیامبرش اقامه می‌کند.

مگر بنا نیست تو بفهمی ایشان پیامبر هست؟ حتماً نباید پدرت را زنده کند!  
پدر دوستت را مثلاً زنده کند! حتماً باید پدر تو را زنده کند؟ نه هر دو مردند،  
هر دو ده سال هم مردند! و موارد بسیاری داریم چه از نبی اکرم چه از ائمه  
معصومین، حتی نسبت به انبیاء، نسبت به حضرت عیسی  
علی نبینا و آله و علیه السلام که فردی که شاید ده‌ها سال فوت شده بوده  
می‌آمدند کنار قبرش اشاره‌ای می‌کردند این قبر متلاشی می‌شده این بدن  
سالم می‌شده تازه می‌شده زنده می‌شده و صحبت می‌کرده!

و موارد بسیاری داریم از زنده کردن مردگان. از حضرت عیسی داریم از نبی  
اکرم داریم، از ائمه معصومین علیهم‌السلام داریم، که یادمان است در این درس گفتار،  
چند تا از این کرامات و معجزات از ائمه معصومین در خصوص زنده کردن  
مردگان ارائه دادم. حالا حتماً نباید پدر تو زنده شود! تو دیدی که یک پدری  
هم داشته این دوستت، این پدرش مرده، مصححت نیست پدر تو زنده بشود!  
اگر بناست که اتمام حجت شود اتمام حجت شده! یا حتماً نباید یک  
مرده‌ای زنده بشود! وقتی که یک انسان را می‌اندازند در آتش، این تبدیل به

گلستان می شود، این آتش خانه‌ای که این همه جمع‌آوری کردند نمرود و اطرافیانش، چنین اتفاقی می‌افتد! یا چوب خشک تبدیل به یک مار عظیم‌الجثه‌ای می‌شود دوباره اشاره می‌کند تبدیل به یک عصای خشک می‌شود! این بالاخره برای یک نفری که غرض و مرض نداشته باشد و روحیه تسلیم و حق‌جو داشته باشد، کفایت می‌کند! لذا بنا بر این نیست که هر چه تو بگویی گوش بدهند! این یک.

دوم اینکه آن مواردی هم که تو گفתי عمل نکردند، به این دلیل بوده که خدا می‌دانسته تو ایمان نمی‌آوری! ببینید مواردی بوده که می‌آمدند پیش پیامبر معجزه‌شان را می‌خواستند، وقتی معجزه‌شان را می‌خواستند خداوند متعال به پیامبر گفته همان چیزی که می‌خواهند را به آن‌ها می‌دهیم. نمونه چیست؟ نمونه شق‌القمر هست! این شق‌القمر این‌طوری نبوده که فی‌البداهه پیامبر بگوید من پیامبرم حالا بیایم چه کار کنم؟ این ماه را دو قسمت بکنم! نه! جمع‌ی بودند، آمدند پیش پیامبر، گفتند اگر شما راست می‌گویید ماه را به دو نیم کن!

پیامبر سر به سجده گذاشتند دعا کردند، جبرئیل می‌آید به رسول‌الله می‌گوید یا رسول‌الله! خدای شما می‌فرماید هر چیزی که این‌ها می‌گویند

بگو عملی می شود و پیامبر شق القمر را انجام می دهند. لذا بنا به مصلحت بوده و جهات دیگری بوده. حتی مواردی پیشنهادی هم می خواهم بگویم داشتند، مطلقاً این نبوده که بگویند هر چه که ما بگوئیم!

نه موارد پیشنهادی هم داشتند! اما مواردی هم داشتیم که نه! مصلحت نبوده! اما مصلحت نبوده به این معنی نبوده که اتمام حجت نتوانستند به این فرد بکنند! بلکه به نحو دیگری اتمام حجت کردند! پس این آیه صراحتاً دارد این مسأله را بیان می کند.

حالا این آیه را اگر به تفاسیر هم رجوع بکنیم هر چند که حالا به نظر من واضح هست قبل و بعد آیه کاملاً مشخص است. در همین تفسیر شریف لاهیجی هم همین بحث را مطرح کرده؛ یعنی روایاتی آوردند و اینکه بالاخره از ظاهر آیه هم چنین چیزی به وضوح قابل استفاده هست.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَوْجَ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ